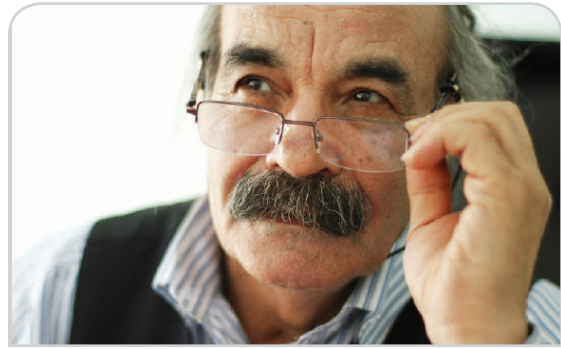


# بهار و پاییز



خسرو امیر حسینی

## نگاه عقلانی به اقتصاد فرادای پسا تحریم

که مایکل پورتر در مقاله «رقابت پذیری کشورها یعنی چه؟» درباره مفهوم «رقابت پذیری» می‌گوید: برخلاف آنچه عده‌ای باور دارند که رقابت‌پذیری پدیده‌ای است مربوط به اقتصاد کلان و زیر تأثیر متغیرهایی همچون نرخ تبادل ارز، نرخ بهره، کسری بودجه (بدهی) دولت، اما ژاپن، ایتالیا و کره جنوبی به‌رغم کسری بودجه، آلمان و سوئیس به‌رغم بالا رفتن ارزش ارز و ایتالیا و کره جنوبی به‌رغم نرخ بهره بالا، سطح زندگی مردم خود را بالا بردند. همچنین پورتر درباره آن کسانی که رقابت‌پذیری را تابعی از وفور و ارزانی نیروی کار یا سرشاری منابع طبیعی عنوان می‌کنند، می‌گوید: آلمان، سوئیس و سوئد هر سه به‌رغم کمبود و گرانی نیروی کارشان به توفیق رسیده‌اند و کشورهای مثل آلمان، ژاپن، سوئیس، ایتالیا و کره جنوبی با منابع طبیعی محدود توسعه بسیاری یافته‌اند. پورتر سایر فرضیات نظیر حمایت‌های پیش‌برنده دولت از صنایع و تأثیر اعجاب‌انگیز روش‌های مدیریتی (رابطه مدیر - کارگر) و... را رد و عنوان می‌کند که تنها مفهوم معنادار «رقابت‌پذیری» در سطح ملی «بهره‌وری» است و سطح زندگی در یک کشور وابسته به توانایی «بنگاه» آن کشور در دست یافتن به سطح بالای بهره‌وری و نیز بالا بردن بهره‌وری طی زمان است. بنگاه‌های یک کشور از طریق بالا بردن کیفیت محصولات، افزودن خصوصیات مطلوب، ارتقای فناوری محصول یا افزایش کارایی تولید، بهره‌وری صنایع موجود را بالا می‌برند و از طریق ارتقای تولید ناخالص ملی، امکان ایجاد بنگاه‌های جدید و بزرگ شدن اقتصاد و رشد درآمد جامعه و اشتغال پایدار و... را فراهم می‌کنند. بر این اساس به نظر این خدمتگزار صنعت کشور امروز هر رویه‌ای در اقتصاد کلان در جهت کنترل تورم و ایجاد رونق به کار بسته می‌شود باید در مسیری باشد که به ارتقای بهره‌وری بنگاه‌های صنعتی و توانمندی آن بخش از بنگاه‌ها که دارای ظرفیت تامین نیاز داخل و صادرات به خارج هستند، بینجامد؛ در غیر این صورت باید به کناری نهاده شوند. «بنگاه‌های صنعتی» ثروت‌های ارزشمندی هستند که باید چیدمان اقتصادی کشور و تمام مفروضاتی که در بالا به نقل از مایکل پورتر گفته شد (نرخ ارز، بهره، سیاست‌های حمایتی و...) در جهت هر چه رقابت‌پذیر شدن آنها باشد، زیرا «این بنگاه‌ها هستند که در صنایع جهانی با هم رقابت می‌کنند».

صنعتی و امکان حضور شایسته بخش خصوصی در این فرایند بوده است، صنعت کشور نیز توانمندی بالای خود را به اثبات رسانده و موتور توسعه کشور شده و هر گاه نیز در جهت خلاف آن، با حضور سنگین دولت‌ها و به حاشیه رفتن صنعت در روند توسعه کشور مواجه بوده‌ایم، صنایع و بنگاه‌های صنعتی کشور نیز دچار نشیب و پریشانی شده‌اند. مثال تاریخی این ادعا که در نامه ذکر کرده بودم، برنامه سوم توسعه بود (۸۳ - ۱۳۷۹) که با محوریت یافتن توسعه صنعتی در توسعه اقتصادی کشور با حضور بخش خصوصی صنعتی ریشه‌های دو رقیمی را در این حوزه و رشد بالا را در تولید ناخالص ملی شاهد بودیم. (متوسط رشد ۱۰/۶ درصدی صنعت و رشد تولید ناخالص داخلی ۵/۸ درصد). در آن برنامه راهبرد اصلاحات اقتصادی بر رویکرد «توسعه اقتصاد رقابتی» از طریق حرکت به سمت آزادسازی نظام قیمت‌ها و تعیین آنها بر مبنای ساز و کار بازار استوار شد، همچنین اصلاحاتی نظیر اصلاح سیستم نرخ ارز و یکسان‌سازی نرخ آن، جایگزینی تعرفه به جای موانع غیر تعرفه‌ای، کاهش مالیات‌ها، تجمع عوارض و تقویت بورس مد نظر دولت وقت قرار گرفت که نتیجه آن افزایش توان رقابتی بنگاه‌های اقتصادی و بالطبع اقتصاد ملی شد. به عبارتی، نگرش غالب چنان بود که فضای مناسب و سالم و به دور از رانت و امتیازات ویژه برای دوام و توسعه بنگاه‌های صنعتی فراهم شود.

اینک که دولت محترم بسته‌های را برای خروج از رکود ارائه کرده است، از منظر من صنعتگر صاحب بنگاه صنعتی که ۶ دهه خدمتگزار اقتصاد ملی بوده‌ام، تحول در فضای اقتصادی و خروج از رکود و رسیدن به رونق در حال حاضر و پس از موفقیت‌های بسیار ارزشمند دو، سه سال اخیر (کاهش تورم به ۱۵ درصد و ثبات اقتصادی و موفقیت شکوهمند در سیاست خارجی) در چارچوب محوریت یافتن «صنعت» در توسعه اقتصادی و ارتقای جایگاه «بنگاه‌های صنعتی» در گفتمان اقتصادی کشور امکان‌پذیر است. این باور این خدمتگزار سال‌هاست که توسط علمای اقتصاد و از مهم‌ترین آنها پروفسور مایکل پورتر به اثبات رسیده است که «این بنگاه‌ها هستند که در صنایع جهانی با هم رقابت می‌کنند و نه کشورها» و توان رقابتی یک کشور بستگی دارد به توان و ظرفیت نوآوری و صنایع آن کشور و بهبود بخشیدن وضع صنعت در آن جامعه. چنان

خدا رحمت کند میرزای قمی را که می‌گفت ضرر را هر جا بگیری استفاده است.

میرزای قمی کاسب بود، در بهار مقداری پارچه و وسایل خانه و امثالهم برمی‌داشت و می‌آمد به روستای ما و روستاهای همجوار و آنچه داشت به مشتریان نسبه می‌داد و قرار می‌گذاشت اول پاییز که روستاییان خرمن گندم و جو برداشته، کشمش، گردو، بادام، سیب زمینی، لوبیا، نخود، عدس و اضافی را به بهای خرید بهار به میرزا می‌دادند و اگر نداشتند میرزا به سال دیگر می‌گذاشت و اگر می‌پرسیدی چرا؟ جمله بالا را می‌گفت ضرر را هر جا بگیری استفاده است. به قول کلیله و دمنه این مثال بدان آوردم که عرض شود کشور عزیز و ایران اسلامی سرفراز این روزها پایمردی و استواری رادمردان و زانانی را می‌ستاید که شب و روز نخفتند و فعل خواستن را به کار بستند و یک‌دله گفتند نه از کشتن نه از بستن ندارم هیچ پروایی / من از روزی که اینجا پا نهادم ترک سر کردم. امسال هم چون سال‌های گذشته به روز ۲۹ مهر سالروز انتخاب صادرکننده نمونه رسیدیم. آنان که در این مسیر گام برداشته بودند در بهار به پاییز رسیده. مدیران ارشد دولتی به پاس این توانایی، لوحی به کف با کفایت آنان نهادند از میرزای قمی گفتیم که چگونه ارتباط صنعت را با مشتری مصرفی بی‌قرار می‌کرد آن هم در زمانیکه ماشین مش محمد علی هم نبود. شترهای کربلائی بیرام و عشق علی در منزلگاه‌های شهر قم تا روستاهای دورافتاده سواره نقش صادرات و واردات را می‌داشت و نه در زمینی سیب زمینی می‌ماند نه در درخت گردکان و امروز پیر صنعت کشور کدخدای عمر طولانی دهه و خانواده کبیر صنعت گر استاد محسن خلیل عراقی به شما و ما می‌فرمایند: بیش از یک سال قبل بود که با واسطه نگاه نه چندان مهربانانه‌ای که به صنعت کشور وجود داشت، نامه‌ای بلندبالا خدمت یار و همراه همیشگی بخش خصوصی کشورمان جناب آقای دکتر جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری نوشتم و از ایشان درخواست مساعدت کردم برای تغییر این نگرش و فضای فکری و انجام چند اقدام عملی. در آن نامه با اشاره به انگاره ناصحیح «غیررقابتی» بودن صنعت کشور و متکی بودن این بخش به حمایت‌ها و شاید رانت‌های دولتی، با ذکر فراز و فرود سال‌های پس از انقلاب اسلامی عنوان کردم که هر جا و هر گاه سیاست‌های دولت‌ها در جهت توسعه